

میان این همه مباحث، تنها صدای شاست که به من شور پرواز می دهد، پرواز به سوی حقیقت.

همیشه عده ای اندک خاطره سازترند، همیشه در جمع های بزرگ و در میان انبوه بودن ماعده ای ماندگارترند، عده ای کم که بیشتر هستند و بیشتر می خواهند آنهم نه برای خود. انجام هر کاری سختی بانی دارد و خوشا بر کسانی که مانند من تلخ بودن این سختی را به شیرینی "نتیجه" می فروشند، نتیجه ای که شکل گیری یک اتفاق است؛ از حرکت، رشد، تکامل! کلمه ای که در دانشگاه شهرکرد و در ۱۱۰ اسفند ۱۳۸۷ پیچید تا بهنگان از آن بگویند. تا به از این مهم آگاه شوند که هنوز بسیار بسیار کمتری دانیم و هنوز هستند رازهایی که باید باشند. درس بانی را که شتابش بودید تا دیگران بیاموزند، تنها یک روی سکه است. روی دیگر، حکومت رابطه بر ضابطه در کلیه سطوح زندگی ایرانیان بطور عام، و موسیقی ایرانی به طور خاص می باشد.

با آگاهی از وضعیت دانشگاه شهرکرد، هر چند بعید می دانم اما امیدوارم که این نشست خود آغازی باشد در سلسله مباحثی چنین تابوشکنانه، مفید و افشاگرانه. نامتان در کنار خاطره برنامه ۱۱۰ اسفند ۱۳۸۷، برای من یادگار خواهند ماند و هرگاه خاطره ای از تکامل دانشگاه شهرکرد در ذهن مجسم کنم، شما مانند ستاره ای پر نور در آن خواهید درخشید.

بر آن شدم تا غبار سالها حسرتی و تلاش صادقانه تان را حاضرانه از سیاهی همیشه جوهر و مهربانان برداریم؛ ولی حرف و حدیثی در خورشید برای گفتن نمی یابم. تنها با تمام وجود و از صمیم قلب می گویم عشق و دوستی و محبتتان روز افزون و خوشبختی و شادمانی مستدام باد.

روزگار تان شاد، اندیشه یاتان سبز و فردای تان زیبا.

دوستدار شما  
یعقوب هدایت منم و